

از لابلای یادداشت و نیشته های روزمره ام

تجدید نظر بر وضعیت کنونی بحرانی در کشور

کمیته بین المللی همکاری های بشردوستانه با افغانستان
"آزادی پایدار"، "حمایت قاطع"، "جهان نابودگر"

ریشه های بحران را در کجا باید جستجو نمود؟
افغانستان بمتابه پیش فرض غرب برای هند
تشکیل افغانستان بر بنیاد جغرافیا یا تمدن
از قوه به قفل مبدل نمودن امر صلح

بمتابه آغاز کلام، اندکی وبصورت نهایت مختصر به بررسی بحران و پیامد های آن پرداخته و پس از آن سایر مسایل •
تعریف بحران

بحران حادثه ایست که یا به گونه طبیعی و یا به وسیله کنش ها و واکنش های بشر، بطور ناگهانی و یا بصورت فزاینده به وجود می آید که بمنظور برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، اساسی و فوق العاده می باشد. واژه بحران که معادل اصطلاح انگلیسی Crisis می باشد، از علوم طبیی وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. در طبابت، بحران به وضعیتی اطلاق می گردد که ارگانیسم حیاتی دچار بی نظمی شده و به خطر افتاده باشد. در زمینه مسایل اجتماعی و هم زمانی که جامعه از حالت عادی خارج و دچار آشفتگی شود، وضعیت بحرانی حاکم می شود. بطور خلاصه واژه بحران از منظر لغوی عبارتست از آشفتگی و تغییر حالت ناگهانی. اما در بُعد اصطلاحی از دیدگاه های مختلف، تعریف ها و تفسیر های متعدد و متنوعی از مفهوم بحران ارائه گردیده است که برخی از مهمترین و معتبرترین آنها را می توان مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

بحران، بمتابه واقعیت اجتناب ناپذیر در زندگی اجتماعی محسوب می گردد. بحران ها در ذات خود، بستر شکل گیری تهدیدها و فرصت هایی می باشند که بر حسب نوع، شدت و گستره محیطی بحران، می تواند نظام سیاسی و مدیران حاکم را در شرایط دشوار و پرمخاطره ای قرار دهند، نتایج تحقیق نشان دهنده این واقعیت می باشد که اصیلترین شاخصه جهت مدیریت بحران، شناخت اصول و عوامل ایجاد بحران گفته می شود. به گفته بسیاری ها، اصل مدیریت بحران، دستیابی به حل و فصل معقول بمنظور برطرف نمودن شرایط و وضعیت غیر عادی می باشد، آنهم به گونه ای که منافع و ارزش های اساسی تأمین گردند. با توجه به ابعاد محدودیت ها در شرایط بحران، مدیران بحران می بایست در تشخیص بحران و یک موقعیت بحرانی دچار خطا و اشتباه نشوند و استفاده از تحلیل بحران و شناخت مؤلفه های اساسی بحران، مسیر منطقی و صحیح جهت تهدید و مقابله با بحران را پی ریزی نمایند. در مواجهه با بحران چهار عامل انسان، فرهنگ، جامعه، ساختار و ستراتیژی نقش اساسی دارند و هرچه مدیران نسبت به این چهار عامل شناخت عمیقتری داشته باشند، مدیریت آنها در مواقع بحرانی موثرتر بوده و نسبت به کنترل آنها موفقیت بیشتری خواهند داشت. یک مدیر بحران بمنظور موفقیت در مدیریت خود باید با یک رویکرد نظام مند، مبتنی بر کمترین آسیب واصل بهبود مستمر، همواره بدنبال یافتن نشانه های اولیه خطر یک بحران بالقوه باشد تا بتواند در شرایط وقوع بحران، با کمترین خسارت، آن را مهار نماید. بنابراین، از مباحث مهم در اینمورد بررسی اصول و رویکردهای مختلف به مدیریت بحران میباید شد. در بحث کنونی، ابتدا قابل یاددهانی می باشد که جنگ در افغانستان که یکی از جمله بلند پروازانه ترین ها در تاریخ

معاصر و طولانی‌ترین درگیری خارجی در طول مدت زمان موجودیت ایالات متحده محسوب می‌گردد که با پشت سر گذاشتن تلفات بی‌سابقه انسانی، میلیون‌ها مهاجر و بیجا شده، کشته و زخمی شدن افغان‌ها، مرگ هزاران تن از نظامیان خارجی تأمین امنیت و همچنان تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور مالی به طور مثال مبلغ یک تریلیون دالر برای مالیه دهندگان ایالات متحده تخمین می‌گردد، نتیجه مستقیم بحران در روند تکاملی سیر حوادث پنداشته می‌شود. این مسأله را نیز نباید فراموش نمود که مبالغ هنگفت و منابع وسیع اضافی بیشتری برای تداوم نبردهای پیشرو و برای سالهای آینده بمنظور نگهداری، درمان و توانبخشی نظامیان امریکایی در افغانستان نیز اختصاص داده شده است. مطابق آمار و ارقام ارائه شده توسط سربازرس ایالات متحده، مبالغ بمصرف رسیده بمنظور بازسازی و اعمار مجدد افغانستان، بیشتر از مبلغ تعیین شده و بودجه در نظر گرفته شده می‌باشد که برای تطبیق پلان مارشال برای بازسازی و اعمار مجدد اروپای پس از جنگ جهانی دوم اختصاص داده شده بود. با این حال، ناکارآمدی تمامی طرح‌ها و تلاش‌ها در مورد متذکره عملن به اثبات رسید. از آنجا که برنامه‌های پیشنهادی محدود به کمک‌های کشورهای دونرمی گردید، مسایل مربوط به شکل‌گیری ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در محدوده داخل کشور مطرح نظر قرار نگرفته و در بخش آرایش و تسریع رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانی، اصلن توجهی مبذول نگردید.

این واقعیت را نباید فراموش نمود که ۱۶ سال پس از آغاز عملیات "آزادی پایدار"، قوای ائتلاف به اهداف و مقاصد تعیین شده اصلن دسترسی حاصل ننموده و در وضع کنونی نیز دستیابی به آنها نهایت مغشوش و غبار آلود بنظر می‌رسد. در شرایط کنونی و وضعیت حاضر در کشور، ستراتیژی مشخص و واضح رشد و انکشاف وجود ندارد، امکان آرایش سیستم قدرت دولتی در کشور غائب می‌باشد، ساختارهای قدرت افغانی به تنهایی قادر به تأمین امنیت در کشور نمی‌باشند، سوؤاستفاده و ارتشاً مشروعیت دولت را تحت سوال قرار داده، باعث تضعیف دولت گردیده و اساسات و پایه‌های اجتماعی آنرا بیش از پیش متزلزل می‌نماید. زرع و تولید مواد مخدر، مشکل و معضل دیگر است که گریبانگیر جامعه ما می‌باشد. مطابق آمار و ارقام موجود، در حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان در افغانستان زرع و تولید گردیده و توسط قاچاقبرانی که از امکانات و سهولت‌های موجود برخوردار می‌باشند، با استفاده از طرق و وسایل موجود به بازارهای جهان انتقال داده شده و به مشتریان سرایا قرص و مشتاق عرضه می‌گردد. اما متأسفانه مصرف‌کنندگان مواد متذکره در داخل کشور نیز موجود می‌باشند، اگر تعدادی از هموطنان ما در جنگ‌ها و برخوردهای مسلحانه از زندگی ساقط می‌گردند، بخش دیگری از اهالی و باشندگان کشور ما در نتیجه استفاده و بکارگیری مواد مخدر، حیات خویش را از دست می‌دهند که می‌توان آنها را بمتابیه قربانیان مواد مخدر و میراث شوم تداوم جنگ در کشور محسوب نمود.

به تاریخ ۲۸ دسامبر سال پار، درست ۱۶ سال از آغاز عملیات "آزادی پایدار" در اراضی کشور ما سپری گردید. از تاریخ اول جنوری سال ۲۰۱۵، ناتو مأموریت جدیدی را تحت نام "حمایت قاطع"، راه اندازی نمود.

اما با وجود تلاش‌های مداوم و اقدامات عملی بسیاری از دول و حکومتات، وضعیت و شرایط در داخل کشور بیش از پیش به وخامت گرایید. کشور عزیز ما افغانستان به محل و منطقه‌ای مملو از هرج و مرج و مرکز رشد خطرات ترور، یستی و تهدیدات مواد مخدر برای تمامی جهان مبدل گردید. اما به دلیل موجودیت سیستم بهداشتی تخریب شده و افزایش روز افزون تعداد مهاجران برگشته به وطن و همچنان رشد ناآرامی‌ها و عدم امنیت لازم و موجودیت عوامل و فاکتورهای متعدد دیگر، ممکن از کشور ما، بیماری‌های ساری و همه‌گیر به نقاط و مناطق مختلف جهان و منطقه نیز بخش گردیده و گسترش یابد.

بدین ترتیب، "یک جنگ کوچک پیروزمند" که به ابتکار جورج دبلیو بوش راه اندازی گردید، برای ایالات متحده و ناتو به یک جنگ طولانی بدون پیروزی مبدل گردیده و تمامی کشورهای حاضر و شرکت‌کنندگان جنگ یادشده، بیشتر از این، از تداوم فعالیت‌های محاربه‌ای در کشور ما کاملن درمانده شده‌اند.

به ارتباط موضوع گفته آمده، عمده‌ترین مسأله‌ای که از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می‌باشد، جستجوی راه بدیل بمنظور دستیابی به امر ثبات و تأمین صلح سرتاسری در افغانستان می‌باشد.

در این اواخر، بمنظور تأمین خدمات بیشتر و مساعدتر بهداشتی برای اهالی و باشندگان کشور و مبارزه علیه تهدیدات محیط زیستی، گردهم‌آیی کارکنان بخش متذکره و متخصصان امور نامبرده نیز قابل ذکر می‌باشد، در جریان گردهم‌آیی متذکره، بر اتخاذ تدابیر و اقدامات عملی بمنظور ارائه کمک و معاونت‌های بشردوستانه به افغانستان، تأکید بعمل آمد.

قابل تذکر می باشد که به تاریخ ۲۱ اگست سال ۲۰۱۷ توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده، ستراتیژی جدیدی در مورد افغانستان و جنوب آسیا ارائه گردید. با تجزیه و تحلیل ستراتیژی جدید در مورد کشور ما باید متذکر گردید که در آن توجه اصلی و عمده به بخش امور نظامی و تسلیحاتی صورت می گیرد که عمدتاً دربرگیرنده افزایش هزینه های جنگی و تعداد نظامیان آن کشور می باشد، گسترش اختیارات آنها در مدت زمان خدمت و اجرای عملیات حربی و نه انجام مسایل و موارد بشردوستانه که بنظر بسیاری از کارشناسان در نوع خود اشتباه محسوب می گردد. جامعه جهانی سرمایه های هنگفت و قابل توجهی را بمنظور بازسازی و اعمار مجدد افغانستان اختصاص دادند. اما این واقعیت را نیز نباید فراموش نمود که با ترک نمودن محل و منطقه ای توسط نظامی های خارجی، بخصوص خروج نسبی نظامی های ناتو از کشور ما، در حدود نیمی از اراضی افغانستان بطور موقت تحت کنترل کامل نیروهای مخالف دولت قرار گرفت.

آیا این بدان معنا نیست که نیمی از اهالی و باشندگان کشور، میلیون ها تن از هموطنان ما، مورد الطفات و توجه جامعه بین المللی قرار ننگرفته و از دسترسی به کمک ها و معاونت های بین المللی محروم می گردند؟ آیا چنین یک وضعیتی، از جمله علل این مسأله نمی باشد که بصورت مشخص در قلمرو اراضی کشور ما با محروم گردیدن عده ای از اهالی از مستفید شدن کمک های بین المللی، بمنظور تداوم حیات خود و خانواده شان به کشت و زرع مواد مخدر رو آورند؟

ائتلاف غربی تحت رهبری ایالات متحده، مانند قبل، در تداوم همکاری های مشترک با قدرت مرکزی در کابل کوشا می باشد، اما اصل همکاری های مشترک و سازنده با توده های میلیونی کشور ما را بمثابه یک کل نادیده گرفته و به تداوم وظایف غیر عملی و انجام ننگرفته نظامی اش همچنان ادامه می دهد.

بگمان اغلب، واقعیت ذکر شده از عدم درک لازم و نبود فهم قابل پذیرش تاریخ کشور ما، نداشتن آگاهی از سنن مذهبی و فرهنگی و عدم شناخت کلی از واقعیت های موجود جامعه افغانی و متأسفانه پارچه پارچه شدن جامعه ما بر بنیاد مسایل نژادی و قبیله ای ناشی می گردد.

این یک واقعیت انکارناپذیری می باشد که بدون پشتیبانی و حمایت هایی در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان و بدون حمایه عملی نیروهای ائتلاف به رهبری ناتو، از برنده شدن در جنگ کنونی اصلن نمی تواند سخنی در میان باشد.

در جریان آمادگی ها بمنظور تدویر کنفرانس بین المللی کمک های بشر دوستانه، طی ملاقات ها و دید و بازدیدهایی و همچنان با تشکیل گره های منطقی و ملاقات ها با با جامعه مدنی کشور و سازمان های مذهبی بسیاری از کشور ها و دولت های عضو ناتو، فیصله بعمل آمد تا کار ایجاد و تشکیل ائتلاف جدیدی، ائتلاف بین المللی کمک های بشر دو ستانه تحت عنوان "جهان پایدار" که عمدتاً با تأدیه معاونت های مالی شامل کمک های میلیارد دلاری ایالات متحده می گردد، در دستور کار خویش قرار دهند، چه مبلغ متذکره نه در بخش نظامی و امور جنگی و محاربوی، بلکه در جهت اعمار مجدد افغانستان ویران شده و مقابله قریب الوقوع با تولید و پروسس مواد مخدر و مبارزه با خطرات کشنده آن در جهان باید هزینه گردد.

این تصادفی نیست که در بسیاری از دوائر المعارف های موجود و آثار و تألیفات مرجع، بصورت کل در مورد روابط بین المللی پاسخ قناعت بخشی ارائه نمی گردد. پیچیدگی و تنوع روابط بین المللی، ممکن شرایط و وضعیتی را توضیح نماید که نویسنده ها در نتیجه تحقیقات گوناگون و متنوع، نحوه برداشت خویش را از واقعیت امری اظهار داشته و به چاپ و نشر آن مبادرت ورزند که در بسیاری از مواقع، از تعریف اصل موضوع کاملن طفره می روند.

زمانی که صحبت در مورد مناسبات و روابط بین المللی می باشد، پرسش شرکت کنندگان آن بنحو اجتنابناپذیری مطرح بحث قرار می گیرد. بسیاری از کسان اهل سیاست و همچنان عده بیشماری از تحقیق کننده های امر بین المللی در مورد بررسی روابط بین الدول چنین ابراز نظر می نمایند که روابط بین الدول دربرگیرنده مناسبات میان دولت ها می باشد. یا مطابق اصطلاح بکار گرفته شده توسط زایمون ارون، فیلسوف فرانسوی، روابط بین الدول عبارت از روابط و مناسبات میان نهادهای سیاسی می باشد. با موجودیت و تعقیب فعال یک راه حل مثبت که دربرگیرنده منافع و مصالح همه طرف های درگیر در مناقشه کنونی در کشور باشد، بدون شک مورد پشتیبانی توده های میلیونی کشور

عزیزما و همچنان مورد تأیید اجتماع بین المللی نیز قرار خواهد گرفت. در این اتحاد بشردوستانه، شرکت و سهمگیری سایرکشورهای علاقمند به ختم جنگ و قطع خونریزی در افغانستان نیز امکان پذیر می باشد. به همه طرف های جنگ و نبرد در اراضی کشور عزیزما با بانگ رسا باید اظهار داشت که جنگ برای هیچکدام از طرفین درگیر، خوشبختی و بهروزی بیار نخواهد آورد و با صداقت، به امر یادشده باید اعتراف نمود. اما حکومت وحدت ملی در شرایط کنونی با کوهی از مشکلات و معضلات عدیده ای دست و پنجه نرم نموده و همچنان موارد مشخصی درکشور، واکنش هایی را در جامعه نیز سبب گردیده که ذیل برشمرده می شود:

- ادامه تنش ها و الی پیشین بلخ و ریاست جمهوری؛

- تنش میان ارگ و جنرال عبدالرشید دوستم؛

- توزیع نشدن شناسنامه های برقی؛

- ناروشن بودن سرنوشت انتخابات پارلمانی؛

- نارضایتی احزاب سیاسی از حکومت؛

- تنش در روابط حکومت با پارلمان؛

- و همچنان ناهماهنگی میان حاکمان محلی با مرکز.

نباید این مسأله را فراموش نمود که گاهی هم در نتیجه عدم توافق در بسا از امور میان ارگ ریاست جمهوری و ریاست اجرایی، مهمترین مشکلات موجود در قبال دولت کنونی عرض وجود نموده است. درگیری میان مقامات حکومتی درکشور، برارکان جامعه تأثیرات منفی بجا گذاشته، از جمله:

- افزایش تحرکات "طالب"ها؛

- پیشروی های داعش؛

- دسترسی گروه های هراس افکن به منابع مالی؛

- بلند رفتن آمار تولید مواد مخدر؛

- افزایش مداخله کشورهای منطقه؛

- فرار سرمایه؛

- گسترش فقر و بیکاری؛

- اوج بی اعتمادی و عدم باور مردم از نظام؛

- و وسعت بحران مهاجرت های داخلی و خارجی.

بادر نظر داشت وضعیت بحرانی کشورما، احترام صادقانه ام به مردم و باشندده های کشور عزیزم افغانستان و عشق و علاقه ام به آزادیخواهی و صلح طلبی و همچنان مطابق آموخته های رشته تخصصی تحصیلی ام و وجیه ملی و وطنی ام، این حق را برایم محفوظ می دارد تا بصورت مشخص از اشرف غنی بمتابه رئیس جمهورکشورما و از مولوی هبیت الله آخند زاده رهبر "طالب"ها تقاضا نمایم:

که آینده کشور عزیزما افغانستان، صرف بشما و نحوه عملکردها و چگونگی موضعگیری های شما ارتباط دارد، بگذارید با اندکی تعقل و تفکر در مورد آینده همه باشندگان این سرزمین بلاکشده که باید همه، مجددن به خانه و کاشانه شان برگشته و تحت چتر واحد افغانستان به حیات خویش ادامه دهند، بیانشیم. متیقنم که علاقمندی شما به سرنوشت کشور و باشندده های این مرز و بوم، امر عادلانه و شریفانه بوده و به یقین کامل که حاضر به دادن قربانی بمنظور اعاده صلح و سلم در افغانستان عزیز می باشید و این واقعیتست انکار ناپذیر، آیا چنین نیست؟

شما بسیار خوب و بهتر می دانید که دستیابی به امر صلح و ثبات درکشور عزیزما، صرف از طریق انجام دیالوگ و گفتگوهای بین الافغانی بمنظور پیشبرد امر مصالحه امکان پذیر می باشد. صرف با تمرکز نیرو و توان خویش بمنظور حل و فصل مسایل ملی موجود، می توان در این عرصه موفق بود. صرف با تفاهم بین هم و خودداری از کاربرد قوه و فشار، حل و فصل برخوردهای کنونی امکان پذیر می باشد. متیقن باید بود که مأمول فوق قابل دستیابی می باشد، چه هر دو جانب طرفدار صلح و عدالت در سرزمین افغان ها می باشید. به یقین که کشورما چه در منطقه و چه در جهان از موقف ارزنده و درخورشان هموطنان ما برخوردار خواهد گردید.

مردمان کشورما از جنگ های دوامدار و زد و خورد های خونین، خسته و در مانده شده اند، بیش از این، از شما انتظار دارند اختلاف نظر های قومی و نژادی را به دور انداخته و اقدامات عملی شما را در زندگی عملی خویش شاهد باشند. نسلی از مردمان و اهالی کشورما در شرایط تداوم جنگ به دنیا آمده و حتا از صلح و آرامش و امنیت کوچکترین تصویری در ذهن هم نداشته و با امر صلح و نبود جنگ بیگانه محسوب می گردند. اکنون زمان آن فرارسیده تا این واقعیت پذیرفته شود که حل و فصل قضایای کشورما راه حل نظامی ندارد و این جنگ بی مفهوم و بدون دورنما در افغانستان باید هر چه زودتر خاتمه یابد، ببینید این در نوع خود واقعیت انکار ناپذیر و سرسختی می باشد که یک بخش مردم و اهالی بر بخش دیگر و کتله دیگر مردم و باشندگان کشور هرگز موفق نشده و نخواهند شد، هیچگاهی.

اکنون زمان آن فرارسیده تا با اشتراک مجامع بین المللی، معضل کنونی کشورما مورد حل و فصل قرار گیرد و این واقعیتست مسلم. در این مقطع جا دارد از ضرورت تشکیل ائتلاف بین المللی بشردوستانه بمنظور "صلح پایدار"، همراه و یکجا با کنفرانس بین المللی بشردوستانه و با شرکت و سهمگیری همه طرف های درگیر در قضایای کنونی کشورما و نمایندگان جامعه بین المللی، ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو، پاکستان، روسیه، چین، هندوستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان، در امر هدفمندی و موفقیت پروسه صلح بین الافغانی در کشور عزیزما یادآوری بعمل آورد تا موفق به حل و فصل شرافتمندانه و با عزت معضلات کنونی شده و با اتخاذ تدابیر و اقدامات مورد نظر و با تعیین ستراتیژی مشخص بمنظور اعاده صلح پایدار و ختم جنگ و بازسازی کشورما مفید و موثر واقع گردیم.

صدای گسترده وحدت و یگانگی جامعه بین المللی شامل دکتوران، شخصیت های علوم تعلیم و تربیه، علما، شخصیت های فرهنگی و هنری، نظامیان، سازمان های سیاسی و مذهبی، پشتیبانی رهبران حکومت ها و دولت ها و سایر اقشار وسیع اجتماعی و سازمان ها و اجتماعات بین المللی شاید این صدای رسا را بشنوند و به کمک و معاونت دولت کنونی افغانستان شتافته و از شرکت کنندگان طرف های مخالف و متخاصم جنگ و درگیری، بصورت جدی و فوری بخواهند تا از وضعیت کنونی جنگ و کشتار هموطن توسط هموطن استخلاص و راهی یافته و راه طولانی و مملو از مشکلات اعمار مجدد کشور عزیزما افغانستان عزیز را انتخاب نموده و در فضای مملو از دوستی، همدلی و همیاری زندگی نموده و از نعمات صلح و امنیت پایدار در اجتماع افغانی مستفید گردند.

مجدد تاکید بعمل می آید که تنها این مردم و توده های میلیونی افغانستان اند که باید سرنوشت آینده خویش را خود تعیین و مشخص نموده و بر بنیاد دیالوگ و گفتگوی سراسری صلح در کشور به اقدامات مقتضی متوسل گردند. در این مقطع قابل یاددهانی پنداشته می شود که رئیس جمهور دونالد ترامپ، طی درخواستش بتاريخ ۲۱ ماه اگست سال پار، بصورت قانع کننده ای، چنین یادآور شد که مردم افغانستان در نهایت امر، باید با بر عهده گرفتن مسؤلیت آینده شان، در امر رهبری و هدایت جامعه شان سهم گرفته و به صلح پایدار دست یابند، که این حق مسلم آنها می باشد. نامبرده علاوه نموده اظهار داشت که آنها بمتابۀ دوستان و شرکای مطمئن همدیگر بوده و آنها به گفته نامبرده هیچگاهی در صدد دیکته نمودن به مردم افغانستان در مورد انتخاب طرز و شیوه زندگی شان نبوده و هرگز در صدد تحمیل شیوه از قبل تعیین شده در تعیین و انتخاب مشخصات زندگی افغان ها نمی باشیم.

جامعه بین المللی با خلوص نیت، البته طبق اظهارات مسؤلان امور، خواهان بقای صلح آمیز و رشد و انکشاف مترقی افغانستان بوده و در پی آن می باشند تا مقام های دولتی افغانستان، مخالفان مسلح و غیر مسلح حاکمیت کنونی کشورما، گروه های مختلف اتنیکی و... را بمنظور ایجاد و تحکیم صلح پایدار و قطع جنگ و خونریزی در کشور زیبای ما افغانستان عزیز مخاطب قرار دهد.

همه جنگ ها بصورت ناگزیر باید به صلح بیانجامد.

با احترام عمیق به توده های میلیونی رنج دیده کشور و اظهار آمادگی قاطع جهت تداوم مبارزه بمنظور خوشبختی و استقرار صلح سراسری در کشورما، افغانستان عزیز.

سیزدهم ماه جنوری سال ۲۰۱۸